

تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم

CAUTIONNEMENT PRÉVENTIF

مبارزه با جرم و مجرمیت در جوامع مختلف علی‌الاصول بدو صورت مهم صورت میگیرد یکی بوسیله محکوم نمودن بز هکار بجزاهای مقرر در قانون مجازات و دیگری تهیه وسایل عملی برای مانع شدن از ارتکاب جرم.

اگر توجه علمای حقوق جزاء و مقین در سابق بیشتر متوجه مجازات مجرم و انتخاب بهترین و مؤثرترین وسیله کیفر دادن بز هکار و بالنتیجه ایجاد امنیت عمومی بوسیله فوق بوده است هم علمای اخیر و بخصوص متخصصین جزائی قرن بیستم بیشتر متوجه اتخاذ تدابیر مانع شونده ارتکاب بزه میباشد و معتقدند که ارتکاب جرائم مانند هر پدیده دیگر اجتماعی تابع قانون علت و معلول بوده که برای موفق شدن در مبارزه با جرائم باید علل ارتکاب را معدوم نموده و این همان تدابیری میباشد که بوسیله مانع شونده ارتکاب جرم معروف میباشد.

مهمترین علتی که مجرم را بطرف جرم سوق میدهد علت اقتصادی میباشد بحدی که آمار تهیه شده از طرف یکنفر حقوقدان فرانسه ثابت نموده است که تعداد جرائم در شهر پاریس بستگی کاملی با ترقی و یا تنزل نرخ نان در این شهر داشته است.

ترفیه وضع اقتصادی افراد از قبیل تهیه کار برای بیکاران - تأمین حد اقل مزد - فروش باقسط طویل المدت خانه های ارزان قیمت - بیمه های اجتماعی متعدد و بالاخص بیمه امراض و بیکاری - مبارزه با احتکار ارزاق عمومی - ثابت نگاه داشتن قیمتها ضمن مبارزه با شرکتهای مهم انحصار طلب ، وضع مالیاتهای سنگین به سرمایه داران و غیره و غیره سر لوحه کلیه برنامه های اصلاحی دول بوده و بالنتیجه عامل مهم مانع شونده وقوع بز هکاری میگرددند.

منع فروش مشروبات الکلی در شبها و روزهای تعطیل - تهیه مراکز سخنرانی و تئاتر و سینماهای مجانی برای بالابردن سطح معرفت عمومی و تعلیمات اجباری - اضافه کردن پلیسهای اداری و مراقبت آنان از مراکز حساس اقتصادی از قبیل بانکها و تجارتخانه های مهم و همچنین مراکز تاریک و حتی استفاده از سگهای تربیت شده برای تعقیب بز هکاران - تأسیس لابراتوارهای مهم جنائی! برای سهولت در پیدا کردن خطا کاران و غیره نیز از تدابیری میباشد که اجتماعات متمدن فعلی برای تقلیل سطح ارتکاب بزه ها بکار برده و نتایج بسیار مفیدی هم از آن تحصیل نموده اند.

اما با همه تدابیری که قبل از وقوع جرم و بعد از آن اتخاذ گردیده و مجموعه آنها

تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم

امروزه بنام سیاست جزائی موسوم گردیده معهدنا تا حال هیچ جامعه موفق نگردیده است این فساد اجتماعی را که عبارت از ارتکاب جرم باشد کاملاً ریشه کن نماید و کنگره های بین المللی مختلف جزائی بخصوص اتحادیه بین المللی حقوق جزاء که از اساتید مسلم حقوق جزاء تشکیل میگردد توجه خود را مخصوصاً باصل «دفاع اجتماعی» «Défense Sociale» مبذول داشته و مقصود از این اصل که اصل تازه ای میباشد این است که بهر تدبیر و وسیله مقتضی باید جامعه را از شر خطاکاران در امان داشت.

فعالیت علمی اساتید مزبور بمنظور صیانت جامعه منتهی به تقنین قوانین مختلفی در کشورهای بنام «اقدامات تأمینی» *Meures do Sûretés* گردیده بحدی که قانونگذار بلژیک قانون معروف دفاع اجتماعی خود را در ۹ آوریل ۱۹۳۰ از تصویب نهائی گذرانید. اقدامات تأمینی که بمنظور حمایت جامعه در قبال جنایتکاران خطرناک و غیر قابل اصلاح از قبیل مجرمین معتاد و جنایتکاران مجنون و نیمه مجنون و غیره تجویز و قانون مجازات سوئیس در این خصوص گامهای ماهرانه ای برداشته و انواع مختلف داشته و مهمترین آنها اجبار در توقیف ماندن بعد از تمام شدن مدت مجازات - الزام بمعالجه در مریضخانه های عصبی معین - اقامه در کارگاههای تربیتی مخصوص - اجبار باقامت در محل معین - ممنوعیت از سکونت در محل وقوع جرم - ممنوعیت از شرب نوشابه های الکلی - ترك اعتیاد مواد مخدره و امثال آن و علی الاصول متوجه کسانی میگردد که بحکم جزائی محکومیت قطعی یافته باشند که در ضمن محکومیت بمجازات اقدامات تأمینی نیز علیه آنان اتخاذ میگردد. اما اعمال مجازات و یا اقدامات تأمینی اغلب ملازمه با ارتکاب جرم داشته و سنت قدیمی و مقدس آزادی فردی هیچگاه اجازه نمیدهد که کسی را قبل از ارتکاب بزه و خطا مشمول مقررات جزائی و یا اقدامات تأمینی نمایند و حال آنکه اصل دفاع اجتماعی در بعضی موارد ایجاب مینماید که اشخاص را حتی قبل از ارتکاب خطائی مورد بازخواست قرار داده و بر علیه آنان اقدامات احتیاطی مبذول دارند و این همان تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم میباشد که ماده ۵۷ معروف قانون مجازات سوئیس با همه و علاقه که این کشور برای اصل آزادی فردی قائل میباشد پذیرفته و موضوع بحث این مقاله را تشکیل میدهد.

ترجمه قریب بمعنی ماده فوق الاشعار بشرح زیر اشعار دارد :

« هرگاه بیم آن باشد کسیکه تهدید بارتکاب جنایت و یا جنحه نموده عملاً مرتکب آن عمل گردد و یا کسیکه سابقه محکومیت بجنایت یا جنحه داشته و قصد صریح خود را برای ارتکاب جرم جدیدی اعلام دارد دادرس حسب تقاضای شخص تهدید شده میتواند از تهدید کننده تعهدی مبنی بر عدم ارتکاب جرم اخذ و او را مجبور بسپردن تأمین کافی نماید. هرگاه مشارالیه حاضر بسپردن تعهدی نگردیده و یا اینکه با سوء نیت حاضر بدادن تأمین در مدت تعیین شده از طرف دادرس نشود قاضی میتواند

تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم

مشارالیه را برای الزام بتعهد و سپردن تأمین بازداشت نماید . مدت این بازداشت ازدوماه تجاوز نکرده و ترتیب اجراء آن مانند اجراء مجازاتهای تأدیبی میباشد . هرگاه شخص تهدید کننده در ظرف دو سال که از تاریخ سپردن تأمین احتساب میگردد مرتکب جرم گردد تأمین مزبور برفع دولت ضبط میگردد و در صورت عدم ارتکاب بزه در ظرف مدت یادشده تأمین بسپارنده آن استرداد میگردد . «

قبل از توضیح ماده فوق باید از نظر دورنداشت که مقررات جزائی قریب باتفاق کلیه کشورها فقط موقعی شخصی را مستحق مجازات و یا اقدامات تأمینی میدانند که آن شخص جرم مخصوصی را با کلیه ارکان تشکیل دهنده آن که قبلاً در قانون مجازات هم جرم و هم میزان مجازات پیش بینی گردیده است مرتکب گردد .

اصل مزبور (که اغلب در قوانین اساسی ممالک بتنصیص گردیده) وبموجب آن هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون قبلاً آنرا صریحاً جرم شناخته باشد و هیچکس را نمیتوان بکیفر رسانید مگر اینکه بموجب قانون آن کیفر تشریح شده باشد روشن تر از آن است که توضیح بیشتری را در این خلاصه ایجاب نماید و هرگاه شروع جرم هم در بعضی از جرائم قابل مجازات فرض گردیده است بعلت این است که مجرم باتهیه وسایل و مقدمات لازم تا سرحد ارتکاب نزدیک گردیده و بععلی که خارج از اراده او بوده جرم تحقق پیدا نموده است .

فلهذا برای تشخیص اینکه شروع جرمی مصداق یافته و یا اینکه مجرم در مقدمات بعیده آن بوده (وبالنتیجه غیر قابل مجازات تلقی میگردد) بدو عامل مهم باید توجه نمود :

اولاً - عامل شخص یعنی سنجش قصد و اراده مرتکب باینکه هرگاه بمانعی برخوردنمینمود حتماً عمل بزهی را انجام میداد و بعباره دیگر احراز قصد مسلم متهم بخاتمه دادن عمل خود .

ثانیاً - عامل موضوعی یعنی التفات بوسایل و مقدماتی که برای انجام نقشه مرتکب تهیه گردیده و اینکه آیا وسایل و اقدامات مزبور از مقدمات قریبه ارتکاب جرم میباشد یاخیر و بعنوان مثال ساده ساختن نردبان بوسیله متهم در منزل خود از مقدمات بعیده ارتکاب بزه سرقت ولسی حمل آن در شب و گذاردنش بدیوار شخصی از مقدمات قریبه ارتکاب بزه بوده و شروع جرم تلقی میگردد . و در مورد ساختن نردبان در منزل قصد ارتکاب بزه و همچنین تهیه مقدمات بعیده مصداق دارد النهایه چون تهیه مقدمه مزبور باصطلاح قانون جزای ایران « مقدمات جزئیه » (ماده ۲۱ قانون مجازات عمومی) محسوب میگردد لاجرم فاقد عنوان شروع جرم و بالتیجه قابل مجازات بودن مرتکب میگردد .

بنابراین در جرائمی که شروع آنها قابل مجازات تشریح گردیده وجود دو عامل

تأمین بمنظور پیش‌گیری از ارتکاب جرم

شخصی و موضوعی توأمآ باید مورد مذاقه قرار گیرد و فقدان هریک از این عوامل مرتکب را از حدود خشم قانون مجازات خارج میسازد .

اما معتقدین باصل « دفاع اجتماعی » برای احتراز و پیش‌گیری از وقوع جرائم مقررات موجود جزائی را کافی برای حمایت جامعه‌ندانسته و بر خلاف اصول پذیرفته شده معتقد بمجازات نمودن « قصدونیت بزهاکارانه » میباشند .

قوانین جزائی کشورها « مجرد قصد ارتکاب جنایت » را مستوجب عذاب نمیدانند ولی قائلین باصل « دفاع اجتماعی » برای حمایت جامعه معتقد بمبارزه با نیت‌های سوء و مجرمانه بوده و تعدیل اصل مزبور بصورت ماده ۵۷ در قانون مجازات سوئیس منعکس گردیده است و نکات زیر نسبت بآن قابل توجه است :

اولاً - تأسیسه قضائی مندرج در ماده ۵۷ قانون مجازات سوئیس با آنچه که در سابق تحت عنوان « تهدید » در قوانین مختلف جرم شناخته شده است اختلاف دارد (رجوع شود بمواد ۱۸۰ و ۱۸۱ قانون مجازات سوئیس و ۳۲۷ الی ۳۳۱ بلژیک و ۲۰۵ الی ۳۰۹ فرانسه و مواد ۲۳۳ الی ۲۳۶ قانون مجازات عمومی ایران) . در جرم تهدید که بانواع مختلف کتبی و شفاهی و بمنظور اخذ وجه یا چیز دیگر یا بدون منظور های مزبور ارتکاب میگردد و دارای ارکان معین و مشخصی میباشد که منظور قانونگذاران از قابل مجازات بودن آن صرفانه از جهت این است که « قصد و نیت » بزهاکارانه اعلام شده را مستوجب کیفر میداند بلکه توجه او در درجه اول حمایت آزادی اراده و اختیار و تصمیم تهدید شونده بوده و عبارت دیگر از این جهت که تهدیدکننده در تهدید شده ایجاد رعب و وحشت نموده و با احترام آرامش فکر او که در اثر تهدید مغشوش گردیده است تهدیدکننده را بمجازات میرساند و حال آنکه منظور ماده ۵۷ قانون مجازات سوئیس اتخاذ تدابیری میباشد که از وقوع جرم در آتیه جلوگیری نماید فلذا هرگاه ارکان تشکیل دهنده جرم تهدید کامل نباشد و یا اینکه اساساً هم کامل بوده و تهدیدکننده مستحق تعقیب جزائی باشد باز هم قاضی حق دارد از تهدیدکننده « تضمین حسن رفتار » در آتیه را مطالبه نماید .

مصادیق تحقق اصل قضائی مندرج در ماده ۵۷ در عمل فراوان دیده میشود مثلاً طفلی که بامر قاضی سپرده بمادر میباشد مورد تهدید ربوده شدن از طرف پدر میگردد و یا کارگر اخراجی از کارخانه تهدید بخرابکاری در کارخانه و یا زنی که مطالبه نفقه مینماید از طرف شوهر تهدید بضرب و شتم میگردد در تمام موارد مذکور تهدیدکننده بارتکاب عمل جزائی در آتیه خبر میدهد و قاضی مکلف است بمحض احراز جدی بودن تهدید از تهدیدکننده تعهد عدم ارتکاب جرم را اخذ و این تعهد را نیز با درخواست تأمینی کافی و مناسب تضمین نماید اعم از اینکه اعلام قصدهای تهدیدآمیز عنواناً و مستقلاً مشمول بزه تهدید باشد یا نباشد و بالاخره تعقیب جزائی قضیه از نظر جرم تهدید مانع از اجرای تضمینات مقرر در ماده ۵۷ نمیگردد .

ثانیاً - مشمولین ماده ۵۷ قانون مجازات دو دسته از اشخاص میباشند .

تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم

۱ - کسانی که سابقه محکومیت بجنایت یا جنحه نداشته و تهدید آنان بیم جدی ارتکاب بزه را در آتیه بوسیله آنان ایجاد مینماید.

۲ - کسانی که سابقاً بجرم جنائی یا جنحه محکومیت قطعی یافته و قصد مسلم آنان برای ارتکاب مجدد همان جرم مورد محکومیت (تکرار جرم) یا جرم جدیدی احراز میگردد و در هر دو صورت فوق بشرحی که خواهد آمد قاضی از آنان التزام حسن رفتار در آتیه را مؤکداً بسپردن تأمین کافی مطالبه مینماید.

در مورد مطالبه تأمین حسن رفتار درباره کسانی که سابقه محکومیت داشته اند دو لایحه اصلاحی قانون مجازات فرانسه (ماده ۸۵ لایحه ۱۹۳۲ و ۸۶ لایحه ۱۹۳۸) موضوع را مورد توجه قرار داده و ما بترجمه قسمتی از اظهارات مادام ایون مارکس که در دوازدهمین کنگره جزائی و علوم محاسب بین المللی ۱۹۵۰ لایحه ایراد گردیده است اشاره مینمائیم . « لایحه اصلاحی قانون مجازات فرانسه تأمین حسن رفتار را در مورد محکومین به جرم تهدید و یا در هر محکومیتی که بیم تجدید تجاوز محکوم بشخص یا اموال مجنی علیه یا فامیل او باشد پیش بینی مینماید .

هر گاه محکوم عاجز از سپردن تأمین حسن رفتار باشد مشارالیه از اقامت در استانی که مجنی علیه او اقامت دارد و یا استانهای مجاور آن ممنوع میباشد . تأمین حسن رفتار پس از ه سال در صورتیکه جرم مورد نظر وقوع نیبوندد به محکوم جزائی مسترد خواهد شد . (مراجعه شود بصورت مجلسهای کنگره جلد ه صفحه ۱۰۱) .

بطوریکه ملاحظه میشود در مقام دفاع جامعه از خطرات مجرمین دانشمندان حقوق فرانسه نیز با وجود اینکه بی اندازه پایبند سنن و رسوم قضائی قدیمی میباشند و ایجاد مجازات یا هر تأمین دیگری را بر علیه کسیکه هنوز دستش بارتکاب بزه آلوده نگردیده است کفر قضائی میدانند مع هذا با شرایط معین فوق تأمین بمنظور پیش گیری از وقوع بزه را پذیرفته و در لوایح تأسیس آنرا تحلیل کرده اند و مورد نظر واضعین لایحه بیشتر متوجه کسانی میباشد که بمناسبت جرم تهدید محکومیت یافته و بیم آن است که بعد از خاتمه محکومیت تهدید خود را بموقع اجراء گذارده و مرتکب جرم جدیدی گردند و معلوم نیست که پارلمان فرانسه در موقع طرح این لوایح اصلاحی آنرا بپذیرد یا خیر ولی پروژه اصلاحی قانون مجازات آلمان بسال ۱۸۷۱ که موضوع تأمین فوق را پیش بینی نموده بود در مجلس آلمان بعلت مخالفت آن با آزادی فردی و اصل عدم وجود مجازات قبل از ارتکاب جرم از قبول این تأمین خودداری نمود .

ثالثاً - ماده ۵۷ قانون مجازات سوئیس برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی مقامات قضائی و با احترام آزادی فردی دو شرط اساسی برای اعمال مقررات این ماده مقرر داشته است که عبارتند از :

الف - شکایت شاکی خصوصی یعنی تقاضای شخص تهدید شده بارتکاب بزه که بمنظور حمایت خود تأمین فوق را درخواست مینماید .

تأمین بمنظور پیش گیری از ارتکاب جرم

ب - احراز مسلم قصد ارتکاب جرم در آتیه بوسیله تهدیدکننده بوسیله دادرس و بنابراین صرف احتمال و وجود مظنه وقوع جرم کافی برای اخذ تأمین نمیباشد. قصد ارتکاب جرم بوسیله تهدید مسلم یعنی اعلام صریح تهدیدکننده بارتکاب عمل احراز میگردد.

رابعاً - مطلوب اساسی ماده ۵۷ اخذ تعهد از تهدیدکننده مبنی بر التزام عدم ارتکاب بزه در آتیه و یا باصطلاح دیگر تعهد حسن رفتار میباشد و در خصوص اینکه آیا این تعهد باید حتماً مؤکد یاخذ سپرده هم باشد پرفسور کلرک در آن تردید دارد و بعقیده مشارالیه قانونگذار دست قاضی را نه تنها در میزان و نوع تأمین باز گذارده بلکه در اخذ و یا عدم اخذ آن نیز او را آزاد نموده است علی الخصوص که قانونگذار در موقع تقنین بوضعیت مادی افرادی که نوعاً مرتکب تهدید گردیده و چه بسا مطلقاً دارای ملائت مادی نمیباشند توجه داشته و الزام قاضی باخذ تأمین پس از تعهد موجب بی عدالتی مسلم نسبت باین اشخاص خواهد گردید.

قسمت دوم ماده ۵۷ ضمانت اجرائی از عدم سپردن تعهد و یا عدم سپردن تأمین مقرر از طرف دادرس را تعیین مینماید.

هر گاه شخص تهدیدکننده حاضر بانجام تعهد نگردیده و یا پس از دادن تعهد « با سوء نیت » حاضر بسپردن تأمین که دادرس نوع ومدت سپردن آنرا تعیین خواهد نمود نشود قاضی میتواند او را با زندانی نمودن (که مدت آن از دو ماه تجاوز نمیباشد) مجبور بانجام آنان نماید. تأمین ممکن است وجه نقد سپردن وثیقه (اعم از منقول و غیر منقول) و یا معرفی کفیل باشد بشرحی که در قانون آئین دادرسی کیفری مقرر است و در هر حال چنانکه ذکر شد میزان تأمین و نوع آن بنظر دادرس موکول گردیده است و لذا دادرس با توجه بدرجه خطر تهدید و شخصیت جزائی تهدیدکننده و درجه ملائت او نظریه خود را اعلام میدارد.

حال اگر تهدیدکننده بامر دادرس مبنی بردادن تعهد و در صورت لزوم تأکید این تعهد بسپردن تأمین شده تمکین نمود از دو حال خارج نیست یا اینکه در ظرف دو سال از تاریخی که تأمین سپرده شده است جرمی که بمنظور پیش گیری از آن تأمین حسن رفتار اخذ گردیده است (و نه هر جرم دیگری) بوقوع میپیوندد یا خیر؟ در صورت اول علاوه بر مجازات مقرر برای جرم تأمین سپرده شده از طرف تهدیدکننده برفع دولت ضبط خواهد شد و در صورت دوم از تأمین سپرده شده رفع اثر خواهد گردید بدین توضیح که اگر موضوع تأمین وجه نقد یا وثیقه باشد عیناً بسپارنده مسترد و در صورتیکه کفیلی معرفی شده باشد مشارالیه از تعهد کفالتی خود مبری خواهد گردید. در اینکه استرداد تأمین از طرف دولت در صورتیکه موضوع آن وجه نقد یا وثیقه باشد باید باضافه منافع آن (در وجه نقد ربح قانونی در وثیقه خسارات ناشیه از تأمین) صورت گیرد یا خیر باید محل موضوع را با توجه بمقررات داخلی کانونها مورد توجه قرارداد بنا بر این امکان مطالبه خسارات از دولت یعنی مقامی که تصمیم به تعهد حسن رفتار در آتیه را اخذ نموده است از طرف متعهد علیه بعید بنظر نمیرسد.

خامساً - ماده ۵۷ قانون مجازات سوئیس اخذ تأمین بمنظور پیش گیری از وقوع را

تأمین بمنظور پیش‌گیری از ارتکاب جرم

بعهد « قاضی » محول داشته است و برای اینکه بدانیم مقصود از قاضی مذکور قاضی تحقیق و یا قاضی دادگاه بخش و یا دادرس دادگاه جنحه و غیره میباشد یاخیر باید توجه بسیستم قانونگراری در کشور متحده سوئیس نمود :

در این کشور متحده بعضی از قوانین فدرال و بعضی دیگر کانتونال میباشد یعنی صلاحیت تقنین نسبت باموری در صلاحیت کشورهای متحده (فدرال) و نسبت باموردیگری در صلاحیت کشورهای عضو اتحادیه میباشد (کانتون) قانون مجازات سوئیس از جمله قوانین فدرال بوده و قوانین مربوط باصول محاکمات از جمله آئین دادرسی کیفری محلی یا کانتونال میباشد.

فلهذا بعده کشور های عضو متحد (۲۵ کشور) قوانین آئین دادرسی کیفری مختلف وجود دارد و چون اخذ تأمین مزبور و همچنین مقام صلاحیتدار برای اخذ آن از قواعد مربوط بآئین دادرسی کیفری میباشد لهذا هر کانتون بموجب قوانین داخلی خود «قاضی» مندرج در ماده ۵۷ را تعیین خواهد نمود. مثلاً کانتونهای ژنو - فریبورک - نیوشاتل - واله - تسن و سن کال اخذ این تأمین را در صلاحیت قاضی تحقیق (بازپرس) و کانتونهای اوری شافهوزو گریزن آنرا در صلاحیت دادرسی دادگاه بخش قرار میدهند و بعضی از کانتونها نیز مانند برن هنوز این قاضی صالح را در قوانین داخلی خود تعیین ننموده اند.

در خاتمه این مبحث باید دانست که تأمین بمنظور پیش‌گیری از وقوع جرم که در قبال خطر شخص قبل از ارتکاب جرم اتخاذ میگردد باوجود تازگی آن از ابتکارات قانون مجازات سوئیس نبوده و اصل آن از کشور انگلستان است که این تأمین بنام «تأمین برای حسن رفتار Surety For Good Behaviour» تسمیه گردیده اتخاذ و در حقوق ژرمانیک نیز سابقه آن دیده میشود و کشور سوئیس شاید در بین ممالک اروپائی اولین کشوری باشد که آنرا بصورت ماده قانونی درآورده حدود و مشخصات آنرا تعیین نموده باشد و در خصوص اینکه آیا از این تأمین نتایج مطلوب از زمان تقنین آن تا حال اخذ گردیده است یاخیر باید گفت که متأسفانه آمار مرتبی در این خصوص موجود نمیشد ولی بطور کلی موارد اعمال ماده ۵۷ نسبتاً نادر بوده و علت آنهم شاید وجود مقررات جزائی کامل مربوط به تهدید (که تهدید شده ترجیح میدهد مستقیماً تهدیدکننده را بجرم اعمال تهدید مورد تعقیب قرار دهد) و همچنین عدم اطلاع اشخاص عادی بوجود ماده مزبور و بالنتیجه تقاضای اعمال آن بعنوان مدعی خصوصی و بالاخره محدود بودن موارد تهدید میباشد زیرا که مصداق تهدید مزبور بیشتر در اختلافات زناشویی و همسایگان پیش آمده و بندرت این اشخاص باجاء ماده ۵۷ متوسل میگرددند و بهرحال تقنین ماده ۵۷ از طرف حقوقدانان و بخصوص طرفداران عقیده «دفاع اجتماعی» مورد تقدیر فراوان قرار گرفته است.

در خصوص اینکه آیا وجود ماده نظیر ماده ۵۷ در قانون مجازات ایران ضرورت دارد یا خیر بنظر نگارنده ایجاد آن با توجه باوضاع و احوال زندگی ایرانی بشرط توجه بحسن اجراء دقیق آن و ندادن وسیله برای سوء استفاده علیه اشخاص حداقل خالی از

تأمین بمنظور پیش‌گیری از ارتکاب جرم

ضرر میباشد و ما روزانه در شعبات بازرسی مخصوصاً در دعاوی زناشویی شاهد استدعاهای ملتسمانه زنانی میگردیم که از رفتن بمنزل شوهر خود بعلت خوف و ترس مضایقه داشته و متقاضی تأمین جانی میگردند که متأسفانه مقررات فعلی ایران مجوزی برای خواستن تأمین برای جلوگیری از ارتکاب جرم در آتیه نسبت بجان و مال این قبیل تهدید شدگان از طرف بازپرس قائل نمیکرد و بازپرسان ایران که عملاً مواجه با این اشخاص هستند خود بهتر لزوم تأسیس مقرره قضائی نظیر آنچه ماده ۵۷ قانون مجازات سوئیس پیش‌بینی کرده احساس مینمایند و همین احساس ضرورت تأمین حسن رفتار یکبار دیگر ثابت میکند که ایجاد قوانین همیشه تابع احتیاجات محیط اجتماعی بوده و هر موقع که ضرورت ایجاب نمود باید بمقابله برخاسته و با وضع قوانین جزائی متناسب در مقام مبارزه با جنایتکاران و اخلال‌کنندگان بنظم اجتماعی برآمد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی